

راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا^۱

حسین حسینی^۲
سعید توکلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۵/۱۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و هفتم - تابستان ۱۳۹۴

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، به دلیل استقلال و وابسته نبودن، کشورهای استکباری از همان ابتدا به دشمنی با آن پرداختند. آمریکا به علت توفیق نیافتن در براندازی سخت و نظامی جمهوری اسلامی ایران به براندازی نرم با الگوی تغییرات تدریجی فروپاشی یا فروپاشی از درون روی آورد؛ به تعبیر دیگر، با به کارگیری توانمندی‌هایش در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست، مردم (توده، نخبگان و مقامات) ایران را به شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز آماج حمله قرار داد. ابزار مهم و حیاتی قدرت نرم برای دستیابی به اهداف در فضای بین‌المللی، دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی که می‌تواند مکانیزم استقرار قدرت نرم باشد، فرایندی است که ارتباطات مستقیم با مردم کشور هدف را دنبال می‌کند تا منافع و ارزش‌های کشور ارائه‌کننده در کشور هدف گسترش یابد. در این مقاله به بررسی چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی متأثر از پیام‌های دیپلماسی عمومی آمریکا پرداخته می‌شود. سؤال اصلی مقاله این است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدهای امنیتی ناشی از دیپلماسی عمومی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر چه باید باشد؟ در کنار آن باید پاسخ داد که دیپلماسی عمومی آمریکا و ابعاد و نقش آن در امنیت ملی آمریکا چیست؟ دیگر اینکه نقاط قوت، ضعف، موانع و فرصت‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا چیست؟

نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای است که با استفاده از کتابخانه (کتاب، مطالعه اسناد، پایان‌نامه و ...) و روش میدانی (مصاحبه و پرسشنامه) انجام شده است. حجم جامعه آماری براساس آمارهای موجود، ۱۵۰ نفر است. آزمودنی‌های این مطالعه ۵۴ نفر از خبرگان و نخبگان آشنا با دیپلماسی عمومی هستند. پس از تجزیه و تحلیل محیط داخلی و بین‌المللی، راهبردهای مقابله‌ای مانند توسعه و انتشار پیام‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام با هدف تقویت وجوه مشترک جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای اسلامی و مقابله با تهدیدهای تفرقه‌افکنانه؛ تقویت و توسعه حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی - اسلامی از طریق دیپلماسی رسمی، عمومی، رسانه‌ای و دانشگاهی در کشورهای منطقه و جهان اسلام؛ گسترش فرهنگ بیگانه‌ستیزی، استکبارستیزی و اشغالگری و سرانجام برجسته‌سازی اقدامات اقتصادی و رفاهی دولت برای مقابله با القای ناکارآمدی دولت باید سرلوحه نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

دیپلماسی عمومی، راهبرد، امنیت ملی، ایران، آمریکا

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد. که در دانشگاه عالی دفاع ملی دفاع گردیده است.

۲. دکتری علوم سیاسی، دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۳. دکتری امنیت ملی، استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار دولت جمهوری اسلامی ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی ایران»، دشمنان ایران با حربه نظامی سعی در فروپاشی آن داشتند. اوایل انقلاب اسلامی با استفاده از عناصر باقی‌مانده رژیم مانند ساواکی‌ها و ارتشیان وابسته اقدام به ترور، رعب و وحشت بین مردم و صفوف انقلابیون به خصوص در پایتخت کردند؛ سپس با فتنه‌گری میان قومیت‌های پراکنده در کشور، غائله‌های ترکمن صحرا، خلق عرب، بلوچ و کردستان را راه انداختند که همچنان پیامدهای آن در بعضی مناطق باقی است. حمله طبس به بهانه نجات جان گروگان‌ها، دخالت آشکار نظامی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران بود. جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران و دفاع جانانه و مقدس مردم ایران، دشمن را مأیوس کرد و زمینه‌ساز عقب‌نشینی آنها و پیروزی مردم ایران شد. حربه فشار نظامی در کنار تحریم‌های نظامی، اقتصادی و ... و به تعبیری قدرت سخت، نه تنها باعث ضعف و سستی اراده مردم ایران نشد، بلکه به افزایش روحیه و انسجام ملی برای مقابله با دشمنان و بسترسازی خودکفایی و استقلال سیاسی، دفاعی و اقتصادی ایران انجامید.

با گذشت زمان، توفیق نیافتن روش سخت و نظامی دشمن از یک طرف و استحکام و تقویت پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران و تسلط کامل و نفوذ بر اقصی نقاط کشور از طرف دیگر سبب شد توجه دشمن به روش‌های دیگر براندازی امنیت ملی ایران جلب شود. الگوی تغییرات تدریجی فروپاشی یا فروپاشی از درون یا براندازی نرم درباره ایران نیز به کار گرفته شد. هدف این روش تأثیر فرهنگی بر جامعه و تغییر نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارها و همسو کردن آنها با فرهنگ غربی (لیبرالیستی) است. به دنبال پذیرش هنجارهای غربی در جامعه، حوزه رفتار جامعه نیز اثر می‌پذیرد و در درازمدت به رفتار لیبرالیستی می‌انجامد. در این حالت جامعه به سوی فروپاشی از درون پیش می‌رود و در نهایت به براندازی نرم می‌انجامد. براندازی نرم به کارگیری قدرت نرم در سیاست به شیوه غیرخشونت‌آمیز است. هدف نهایی براندازی نرم، سیاسی است و به دنبال تغییر نظام سیاسی به شیوه غیرخشن و مسالمت‌آمیز است، هرچند اهداف فرهنگی و اجتماعی را می‌توان گام‌های نخست وصول به اهداف سیاسی دانست. جین شارپ ویژگی‌های مبارزه غیرخشونت‌آمیز را این‌گونه بیان می‌کند: مبارزه غیرخشونت‌آمیز بسیار پیچیده‌تر از راه‌های مبتنی بر خشونت و حاوی انواع بسیار متنوعی از مبارزه است. برخلاف مبارزات مبتنی بر خشونت، مبارزات غیرخشونت‌آمیز



با جنگ‌افزارهای روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که مردم و مؤسسات اجتماعی به کار می‌گیرند، انجام می‌شود. این سلاح‌ها با نام‌هایی گوناگون مانند اعتراضات، اعتصابات، همکاری نکردن، تحریم، بی‌میلی‌ها و نیروهای مردمی شناخته می‌شوند. مراحل تأثیرگذاری قدرت نرم در محیط کشور هدف را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. انتقال مفاهیم مد نظر کشور آماج‌کننده به کشور هدف؛
۲. بهره‌گیری از ابزار متنوع مانند رسانه، اینترنت، تبادل فرهنگی و ... برای وصول به هدف؛
۳. وجود زمینه اجتماعی برای تأثیرگذاری مفاهیم ارسالی کشور آماج‌کننده؛
۴. پذیرش دیدگاه کشور آماج‌کننده توسط مخاطبان کشور هدف؛
۵. نفوذ دیدگاه کشور آماج‌کننده در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و حتی دفاعی؛
۶. انتقال از حیطه و قلمرو نظریه و تفکر به حیطه عمل و رفتار؛
۷. عملی کردن مرحله‌ای دیدگاه کشور آماج‌کننده؛
۸. تبلور و بروز و ظهور دیدگاه کشور آماج‌کننده در رفتار مردم، نخبگان و مقامات؛
۹. وصول به همه یا گوشه‌ای از اهداف مطلوب کشور هدف و تغییر در رفتار مردم، نخبگان و مقامات.

ابزار مهم و حیاتی قدرت نرم برای وصول اهداف در فضای بین‌المللی، دیپلماسی عمومی است که می‌تواند مکانیزم استقرار قدرت نرم باشد. دیپلماسی عمومی تلاش دولتی برای ارتباط با عموم مردم و نه حکومت‌ها با هدف تأثیر بر نگرش و رفتار مردم منطقه‌ای خاص یا دنیاست که مطالب را برای همه مردم و نه فقط قشری خاص ارسال می‌کند (Wolf & Rosen, 2004: 3-4).

دیپلماسی عمومی ابزار مهم تأثیرگذاری فرهنگی بر جامعه است که در پی همساز کردن فرهنگ جامعه و افکار عمومی مردم با اهداف تعیینی آمریکا و تأثیر احتمالی بر دیدگاه و اعتقادات مقامات است. اقداماتی مانند تبادل فرهنگی، تبادلات آکادمیک، آموزش زبان انگلیسی و برنامه‌های هنری و نمایشی، ایجاد سایت‌های رسمی، اعزام متخصصان خودی به کشور هدف، و برنامه‌های دولتی و رسمی از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری از روش‌های دیپلماسی عمومی هستند (Glassman, 2008: 24). اقدامات دیگر مثل تقویت و ایجاد انسجام در اپوزیسیون ضدایرانی، تقویت ایرانیان



مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، فراگیر کردن انتقاد و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی بین همه قشرهای جامعه و تقویت جنبش ناراضیان به شیوه‌های مختلف به منظور گسترش طیف عوامل مخالف، ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی مدیریت پروژه‌های ضد ایرانی از طریق ارتباط وثیق با سازمان‌های غیردولتی مستعد، مراکز مختلف فرهنگی، آموزشی، هنری و رسانه‌های ایرانی (Lionei, 2006: 21) از مصادیق دیپلماسی عمومی هستند که آمریکاییان پس از ۱۱ سپتامبر برای فروپاشی از درون در ایران به کار گرفته‌اند.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با هدف استقلال سیاسی، الگوی نظام سیاسی مردم‌سالارانه دینی، تفوق فرهنگ اسلامی بر هرگونه فرهنگ غربی یا شرقی و استقرار حکومت عدل جهانی و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین را پیش گرفته است؛ از این رو ایران و آمریکا تضاد منافع شدید دارند. آمریکا از دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از روش‌های تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی جامعه و مقامات ایران استفاده می‌کند تا رهبر بلامنازع جهان شود و مانع اصلی سر راه خود را که ایران است، بلا اثر کند.

چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی متأثر از پیام‌های دیپلماسی عمومی آمریکا مثل ایجاد تردید بین مردم به عادلانه بودن و کارایی قوانین اسلامی، القای ناکارآمدی فرهنگ اسلامی برای تأمین نیازهای روحی و روانی مردم، اشباع بازار فرهنگی جامعه با کالاهای فرهنگی بیگانه عمدتاً غربی، القای ناکارآمدی دولت، گسترش بی‌بندوباری و ابتذال فرهنگی، و ضعیف نشان دادن مدیریت کشور در رفع معضلات فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌شود. سؤال اصلی این است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدهای امنیتی ناشی از دیپلماسی عمومی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر چه باید باشد؟ همچنین به سؤال‌های فرعی زیر پاسخ داده می‌شود: دیپلماسی عمومی آمریکا و ابعاد و نقش آن در امنیت ملی آن چیست؟ قوت، ضعف، موانع و فرصت‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا کدام‌اند؟ سپس راهکارهای مقابله‌ای برای کاهش اثرگذاری دیپلماسی عمومی دشمن بر ذهن و رفتار جامعه، نخبگان و مسئولان ارائه می‌شود. ساختار مقاله نیز شامل مقدمه، اصول و مبانی دیپلماسی عمومی، روش تحقیق، ارزیابی عوامل محیطی، طراحی، تعیین و اولویت‌بندی راهبرد و نتیجه‌گیری است.



اصول و مبانی دیپلماسی عمومی

۱. تعریف دیپلماسی عمومی

اصطلاح دیپلماسی عمومی به معنی مدرن آن را ادموند گیلیون^۱، رئیس دانشکده حقوق و سیاست فلچر دانشگاه تفتس، در سال ۱۹۶۵ به کار برد. «مرکز ادوارد مورو برای دیپلماسی عمومی» در بروشورهای اولیه خود دیپلماسی عمومی را تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی به منظور شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های خارجی شامل ابعادی از روابط بین‌المللی می‌داند که فراتر از دیپلماسی سنتی است. براساس دایره‌المعارف اصطلاحات روابط بین‌الملل در ۱۹۸۷، دیپلماسی عمومی برنامه‌های مورد حمایت دولت با هدف شکل‌دهی یا نفوذ بر افکار عمومی سایر کشورهاست که ابزار اصلی آنها انتشارات، تصاویر متحرک، تبادل فرهنگی و رادیو و تلویزیون است (Iustina, 2008: 935). شورای روابط خارجی آمریکا (۲۰۰۴)^۲ تلاش برای شکل‌دهی و نفوذ بر عقاید مردم سایر کشورها^۳ را دیپلماسی عمومی می‌داند. آژانس اطلاعات آمریکا^۴ دیپلماسی عمومی را ارتقای منافع ملی و امنیت ملی از طریق درک، آگاهی و نفوذ بر شهروندان خارج از کشور تعریف کرده است (Johnson, et.al, 2003: 11).

دانشمندان و محققان تعاریف بسیار متنوع و متعددی از دیپلماسی عمومی ارائه و بر جنبه‌های خاصی از آن تأکید کرده‌اند. ادموند گیلیون، مبدع اصطلاح دیپلماسی عمومی، آن را «ابزار دولت، بخش خصوصی و افراد برای نفوذ بر نگرش و عقاید سایر مردم و دولت‌ها و نفوذ بر تصمیم‌های سیاست خارجی آنها» (Gullion, 1966: 8) تعریف می‌کند. دیلونی^۵ دیپلماسی عمومی را روشی می‌داند که نگرش‌ها و عقاید دولت، فرد و گروه مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی سایر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد (Delaney, 1968: 3-6). از دید شارپ (۲۰۰۵)^۶، دیپلماسی عمومی فرایندی است که ارتباطات مستقیم با مردم کشور هدف را دنبال می‌کند تا منافع و ارزش‌های کشور ارائه‌کننده در کشور هدف را گسترش دهد (Sharp, 2005: 107-117). جوزف

1 . Edmund Gullion

2 .Council of Foreign Relations (CFR)

3 . Council of Foreign Relations (CFR) (2004a), Terrorism: Q & A, www.terrorismanswers.org/responses/diplomacy print.html,14 May 2005.

4 .US Information Agency

5 .Delaney

6 .Sharp

نای^۱ دیپلماسی عمومی را بیان سیاست قدرت نرم می‌داند. از دید او، قدرت نرم، قدرتی است که دیگران آنچه را شما می‌خواهید انجام می‌دهند که همان قدرت جذب افراد است (Nye, 2004: 18). یان ملیسن دیپلماسی عمومی را در نهایت نفوذ بر عقاید و نگرش‌های سایر مردم تعریف می‌کند (Melissen, 2006: 11). شاکر دیپلماسی عمومی را ارتباط مؤثر با مردم سراسر جهان، درک ارزش‌ها و حتی تقلید ایده و تصویر آمریکایی می‌داند که از نظر تاریخی، یکی از سلاح‌های بسیار تأثیرگذار قابل توسعه، تشویق و سیاست است (Schuker, 2004: 21).

۲. ابزار دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی در حوزه تبادلات فرهنگی و آموزشی شامل تبادل دانشجو و استاد، تبادلات آکادمیک، برنامه تدریس درباره کشور مد نظر در دانشگاه‌های خارجی، آموزش زبان انگلیسی و برنامه‌های هنری و نمایشی می‌شود. در حوزه فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، ایجاد سایت‌های رسمی حاوی بیانیه‌های دولتی و مواضع رسمی، اعزام متخصصان خودی به کشور هدف به منظور پاسخ به سؤال‌ها و ابهامات درباره کشور مد نظر، برنامه‌های کنفرانس از راه دور و در نهایت در حوزه برنامه‌های بین‌المللی شامل برنامه‌های دولتی و رسمی از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری است (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۵).

ابزار دیپلماسی عمومی آمریکا را می‌توان به شرح زیر بیان کرد که سایر کشورها نیز با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های خود می‌توانند آنها را به کار گیرند:

۱. رادیو تلویزیون بین‌المللی با پشتیبانی دولتی: رادیو تلویزیون آمریکا نقش مؤثری در تاریخ دیپلماسی عمومی بازی می‌کند. صدای آمریکا در ۱۹۴۲ برای شناساندن منافع و سیاست آمریکا راه‌اندازی شد؛ سپس رادیو اروپای آزاد و رادیو آزادی جایگزین صدای آمریکا در اروپای شرقی و روسیه در دوران جنگ سرد شدند. در ۱۹۹۹ با پایان جنگ سرد، رادیو تلویزیون‌ها با پشتیبانی دولت، تحت کنترل شورای دولتی رادیو تلویزیون^۲ به عنوان نهادی مستقل و خودکفا قرار گرفت که دارای ۳۲۰۰ کارمند با بودجه ۵۴۰ میلیون دلاری در سال ۲۰۰۳ در سراسر دنیا بود. شورای دولتی رادیو تلویزیون مسئول صدای آمریکا (اطلاع‌رسانی و اخبار برای بیش از ۵۰ کشور جهان جز عربی‌زبان)،

1 . Joseph Nye

2 . Broadcasting Board of Governors (BBG)



رادیو و تلویزیون مارتی (برای کوبا)، رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی (برای کشورهای تازه‌استقلال‌یافته شوروی سابق، بالکان و افغانستان)، رادیو آسیای آزاد (شامل ۱۰ کشور مانند چین، برمه و کامبوج)، سایت جهانی (رادیو تلویزیون ماهواره‌ای جهانی به زبان انگلیسی)، رادیو فردا (برای ایران) و رادیو ساوا (برای کشورهای عربی) است.

۲. دسترسی به آموزش آمریکایی: در مجموع همه افراد حتی کسانی که دید منفی به آمریکا دارند، درباره آموزش آمریکا نظری مثبت دارند؛ زیرا آنها را از آموزش سنتی و یادگیری طوطی‌وار به سوی یادگیری و تفکر انتقادی سوق می‌دهد. برای مثال دانشگاه آمریکایی بیروت و قاهره حدود شش‌هزار دانشجو دارد که ارزش‌های آمریکا را به دنیای عرب و مسلمان نشان می‌دهند. پیشرفت تحصیلی در کشورهای عربی حتی با معیارهای سنتی در مقایسه با سایر دنیا و حتی کشورهای پیشرفته هنوز متعادل است (Arab Human Development Report, 2002: 51).

۳. مراکز و اتاق‌های آمریکایی: با پایان جنگ سرد، بسیاری از مراکز آمریکایی تعطیل یا به دلیل مسائل امنیتی به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها منتقل و از دسترس مردم عام خارج شدند؛ به طوری که دسترسی به مراکز آمریکایی مثل رفتن به زندان بود. معاون دیپلماسی عمومی و امور مردمی وزارت خارجه آمریکا برای برطرف کردن این خودسانسوری پیشنهاد راه‌اندازی اتاق آمریکایی در دانشگاه‌ها یا کتابخانه‌ها یا مراکز سایر کشورهای میزبان براساس درخواست خودشان را ارائه کرد. برای مثال اتاق آمریکایی در سه شهر ترکیه در اتاق تجارت ترکیه راه‌اندازی شد.

۴. انتشارات: انتشارات مورد درخواست دنیای عرب و اسلام، به خصوص نخبگان، معلمان و دانشجویان، باید با کیفیت مناسب در اختیار آنان قرار گیرد. این درخواست فرصتی مهم برای انتقال دانش آمریکایی و پیشرفت علمی به آنان است که برای آمریکا چندین فایده دارد: اول، انتشارات، تصویری دقیق از زندگی آمریکایی در اختیار مخاطبان می‌گذارد. دوم، انتشارات در حوزه‌های گوناگون نشان‌دهنده پیشرفت آمریکا و مورد تحسین دنیای عرب و اسلام است. سوم، انتشارات یکی از عناصر راهبرد آموزشی برای کسب مهارت توسط شهروندان خارجی است. یکی از مهم‌ترین مشارکت بالقوه در موفقیت راهبردی دیپلماسی عمومی از طریق کتاب به دست می‌آید.

۵. فناوری و ارتباطات: ابزار دیپلماسی عمومی سنتی شامل فعالیت‌های برنامه‌های تبادل آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای با استفاده از رسانه‌های گوناگون (چاپی، الکترونیکی و ماهواره‌ای) بود، ولی فناوری نوین فرصت مناسب برای ارتقای ابزار سنتی دیپلماسی





عمومی را به مخاطبان خاص داده است (Karin, 2006: 45). در دوران کمبود بودجه، کمی زمان و افزایش مشکلات و هزینه سفر در قرن ۲۱، فناوری اطلاعات و ارتباطات به کار می‌آید.

۶. برنامه‌های تبادل: از ۱۹۴۰ که نلسون راکفلر گروهی از خبرنگاران آمریکای لاتین را به آمریکا دعوت کرد، در برنامه‌های تبادل به طور منظم و منسجم تاکنون، حدود هفتصد هزار خارجی از جمله انور سادات و مارگارت تاچر از آمریکا بازدید کردند. بعضی از برنامه‌های تبادل عبارت‌اند از: برنامه فولبرایت (دامنه وسیعی از آموزش، مطالعه و تحقیق)، برنامه همفری (آوردن حرفه‌ای‌های سطح متوسط از کشورهای پیشرفته برای آموزش یک‌ساله حرفه‌ای)، برنامه بازدید بین‌المللی (سفیران آمریکا رهبران بالقوه آینده جهان را برای کسب دانش دست اول از فرهنگ، سیاست و مردم آمریکا دعوت می‌کنند) و برنامه تبادل شهروندی (ارتباط مردم آمریکا با شریک خارجی) است.

۷. مراکز مطالعات و گفت‌وگو عرب/مسلمان - آمریکایی: مراکز مطالعات و گفت‌وگوی عرب/مسلمان - آمریکایی به عنوان اتاق فکر به مطالعه روش‌های تقویت، درک و ارتباط بین آمریکا و کشورهای جهان عرب و مسلمان می‌پردازند. مطالعات باید شامل موضوعات زیادی مانند تجارت، سیاست اقتصادی، مهاجرت، دولت دموکرات، فساد، امنیت، محیط زیست و فناوری اطلاعات باشد. همچنین اعضا و پژوهشگران مرکز با هدف القای قضاوت بی‌طرفانه برای بازدید دو هفته‌ای به آمریکا اعزام شوند. اعزام خبرنگاران با هدف ارتقای گزارش دقیق، آزادی کلام، تحمل، ساخت جامعه مدنی و نقش خبرنگاران به عنوان نگه‌دارنده دانش و علم مردم باید انجام گیرد.

۸. آموزش انگلیسی: راهبرد موفق دیپلماسی عمومی بر آموزش زبان انگلیسی متمرکز است. زبان، سود وسیع، طبیعی و دوطرفه دارد. استخدام استاد متن بومی و غیربومی در دیپلماسی آموزشی ضمن اینکه نگرش و اطلاعات فرد را شکل می‌دهد، باعث جذابیت یادگیری می‌شود و افراد را برای آموزش زبان ترغیب می‌کند. در دیپلماسی عمومی آمریکا، آموزش زبان انگلیس به اشکال مختلف وجود دارد.

۹. برنامه سخنرانی: دهه‌ها در پرتو سازمان اطلاع‌رسانی آمریکا سخنرانان آمریکایی دانشگاهی، سیاست‌مدار، رسانه‌ای و تجار به خارج اعزام می‌شدند. برنامه سخنران و متخصص^۱ یکی از برنامه‌های اساسی دیپلماسی عمومی هوشمند است.

۱۰. بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها): پیشنهاد شده است دیپلماسی

عمومی آمریکا از طریق سمن‌های بومی مستقل از ایده‌های بنیادگرایانه در جامعه عرب و مسلمان دنبال شود.

۱۱. گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و بین‌ادیانی: گفت‌وگوی بین‌فرهنگی قسمت مهمی از دیپلماسی عمومی است. در عصر چالش بین فرهنگ آمریکا و دنیای اسلام، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی حیاتی است. گفت‌وگوی بین‌ادیان با مسلمانان از یک طرف درک آنها را درباره مسیحیت و یهودیت در آمریکا افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، بعضی خصومت‌های آنها را با آمریکا از بین می‌برد. گفت‌وگوی دین‌محور نباید فقط توسط دولت صورت گیرد، بلکه به مشارکت دیپلماسی عمومی از طریق سمن‌ها و مؤسسات آموزشی نیاز است. این نوع گفت‌وگو نگرش اعراب و مسلمانان را به آمریکا مثبت می‌کند.

۳. دیپلماسی عمومی و براندازی نرم

براندازی نرم به‌کارگیری قدرت نرم در سیاست به شیوه غیرخشونت‌آمیز است. هدف نهایی براندازی نرم، سیاسی است و به دنبال تغییر نظام سیاسی به روش غیرخشن و مسالمت‌آمیز است، هرچند اهداف فرهنگی و اجتماعی را نیز می‌توان از گام‌های نخست وصول به اهداف سیاسی دانست. در عصر جدید، جین شارپ به طور نظام‌مند «مبارزه بدون خشونت» به معنی «مبارزه و رویارویی مردم به روش‌های خشونت‌پرهیزانه توأم با اعمال فشار بر حاکمیت» را به کار برد و آن را «روش عمومی برای هدایت اعتراض، مقاومت و مداخله در امور سیاسی دور از خشونت فیزیکی» دانست (شارپ و هلوی، ۲۰۰۲: ۱۶).

ابزار مهم و حیاتی قدرت نرم برای وصول به اهداف در فضای بین‌المللی و حصول هدف‌گذاری‌ها در سیاست خارجی، دیپلماسی عمومی است. به‌کارگیری ابزار گوناگون دیپلماسی عمومی توسط دولت‌ها مکانیزم و زمینه‌ساز استقرار قدرت نرم است. از نگاه صاحب‌نظران دیپلماسی عمومی، اندیشه‌ها و اطلاعات با سرعت و وضوحی خیره‌کننده از طریق تلویزیون‌ها، رادیوها، نوارهای کاست، فیلم‌های ویدئو، شبکه‌های ماهواره‌ای، ماشین‌های نامبر، شبکه‌های تلفنی، اینترنت و... جریان می‌یابند و مرزهای ملی را در می‌نوردند. آسیب‌پذیر و نفوذپذیرتر شدن مرزهای ملی نیز به رهبران و شهروندان جهان فرصت بی‌درنگ دریافت تصاویر و توضیحات یکسان از رویدادهای مختلف در سراسر گیتی را می‌دهد. اگرچه در این روند مردم جهان به درک یکسانی از وقایع



نمی‌رسند، تمام آنها تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرند و برای اقدام دسته‌جمعی و معارضة با مراجع اقتدار از توانایی بیشتری برخوردار می‌شوند (طیب، ۱۳۸۰: ۴۶).

با این نگاه کشورهایی که فاقد زیرساخت‌های لازم برای تحلیل و جذب داده‌های کثرت‌گرایانه هستند، با افزایش آزادی و آگاهی داخلی دچار کاهش انسجام سیاسی و فرهنگی خواهند شد. در چنین شرایطی همگام با افزایش رشد دیپلماسی چندجانبه خارجی و فشار گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی، ملت‌ها نیز در زمینه اولویت‌های خط‌مشی فرهنگی و سیاسی خود دچار تفرق می‌شوند. از این رو هرچه ارزش‌های درونی دولت‌ها متفاوت و متنوع‌تر شود، ایده مشروعیت سیاسی و فرهنگی نیز با ابهام بیشتری مواجه می‌شود (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۶۳). بنابراین نیروهای تدریجی مانند رسانه‌های جهانی می‌توانند بنیان هویت یک جامعه منزوی را با آشنایی مردم آن جامعه با دنیایی کاملاً نوین متزلزل سازند؛ زیرا مردم از طریق گسترش ارتباطات جهانی می‌آموزند که برای زندگی محدودیت‌های بی‌قید و شرط کمتری وجود دارد. در نتیجه در عصر انقلاب ارتباطات، وسایل ارتباط جمعی، ابزاری مهم به شمار می‌آیند که می‌توانند در سطحی فراگیر در راستای اهداف قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر عمل کنند (شیلر، ۱۳۷۷: ۳۱). بدین ترتیب رسانه‌های غربی در جریان براندازی نرم علاوه بر تبلیغ مظاهر گوناگون فرهنگ لیبرال دموکراسی، از قدرت القاکنندگی خود برای نمایش همگانی فساد و نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کنند. رسانه‌های غربی با نمایش چهره‌ای مردمی از اپوزیسیون، خواسته‌های رهبران معترض را در راستای دموکراسی و حقوق بشر نشان می‌دهند؛ از این رو رسانه‌ها بازیگران مهمی در جریان براندازی نرم به شمار می‌آیند و ضمن نشان دادن اجرا نشدن صحیح قوانین، همگان را در معرض جریان انقلاب قرار می‌دهند و تظاهرات را سازماندهی می‌کنند. در این بین استفاده از واژه «انقلاب» برای تبیین جابه‌جایی نخبگان و براندازی نرم محصول جریان‌سازی تبلیغات رسانه‌های غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا بود تا تحولات فوق را دموکراتیک و در راستای فراگیر شدن نظام لیبرال دموکراسی غربی نشان دهند.

تأثیر قدرت نرم بر جوامع به دلیل جذابیت آن کشور مبتنی بر سه منبع است:

۱. فرهنگ آن کشور که می‌تواند برای دیگران جذاب باشد.
 ۲. ارزش‌هایی که آن کشور ترویج می‌دهد.
 ۳. سیاست خارجی که آن کشور دنبال می‌کند (Zwiebel, 2005: 2).
- بنابراین اگر کشوری دارای فرهنگی غنی و جذاب باشد و ارزش‌های متعالی و



مطلوبی را تبلیغ و ترویج کند ولی سیاست خارجی‌اش مورد قبول کشورها نباشد و آن را ضد بشری یا اشغالگری نام‌گذاری کنند، بدیهی است فرهنگ غنی و ارزش‌های مطلوب کارایی ندارد و تأثیر منفی می‌گذارد و قدرت نرم نقشی در جذب دیگران ندارد. کشور آماج با به‌کارگیری توانمندی‌هایش در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست، مردم (توده، نخبگان و مقامات) کشور هدف را به طور غیرخشونت‌آمیز آماج حمله قرار می‌دهد تا اینکه در هر سطح و درجه‌ای افراد کشور هدف به تقلید یا پیروی از آن بپردازند. ابزار مهم و حیاتی قدرت نرم برای حصول اهداف در فضای بین‌المللی، دیپلماسی عمومی است که می‌تواند مکانیزم استقرار قدرت نرم باشد. دیپلماسی عمومی تلاش دولتی برای ارتباط با عموم مردم و نه حکومت‌ها به منظور تأثیر بر نگرش و رفتار مردم منطقه‌ای خاص یا دنیاست که مطالب را برای همه مردم و نه فقط قشری خاص ارسال می‌کند (Wolf, 2004: 3-4).

شکل‌گیری قدرت نرم با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی تأثیرگذار از طریق پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی، مبادلات فرهنگی، ایجاد مراکز فرهنگی یا تبادل آموزشی یا سایر شیوه‌هاست. اما برخی تلاش‌های دیپلماسی عمومی الزاماً و ضرورتاً به شکل‌گیری قدرت نرم نمی‌انجامد؛ برای مثال زمانی که این تلاش‌ها در کشور هدف، تبلیغات تلقی شود یا اقدامات سیاست خارجی کشور آماج‌کننده خلاف ارزش‌ها و فرهنگ اعلامی آنها باشد؛ بنابراین هر تلاشی در عرصه دیپلماسی عمومی لزوماً به تولید قدرت نرم منتهی نخواهد شد مگر اینکه هر سه منبع قدرت در یک جهت عمل کنند. اگرچه از دولت ایالات متحده به علت مشکلاتی که در مسیر اجرای دیپلماسی عمومی داشته است انتقاد شده، دیپلماسی عمومی همچنان یکی از بخش‌های حیاتی قدرت نرم آمریکاست (Armitage & Nye, 2007: 40).

اساساً مفهوم و اصطلاح دیپلماسی عمومی به صورت ایجابی به کار گرفته می‌شود؛ یعنی دولت‌ها برای ایجاد و ساخت تصویر و چهره‌ای موجه از خود از آن استفاده می‌کنند. همچنین متناسب با هدف یا اهداف سیاسی در کشور مد نظر، نوع و نحوه استفاده از دیپلماسی عمومی متفاوت است. دیپلماسی عمومی آمریکا در کشورهای متناظر مانند کشورهای غربی بیشتر سعی در هژمون نشان دادن و سیطره آمریکا بر جهان از جمله غرب دارد؛ در حالی که در کشورهای غیرغربی همسو با آمریکا بیشتر به ترویج فرهنگ آمریکایی و غربی می‌پردازد. اهداف و پیام‌های دیپلماسی عمومی آمریکا هرچند با رویکرد فرهنگی-اجتماعی آغاز می‌شود، در نهایت رویکردش به



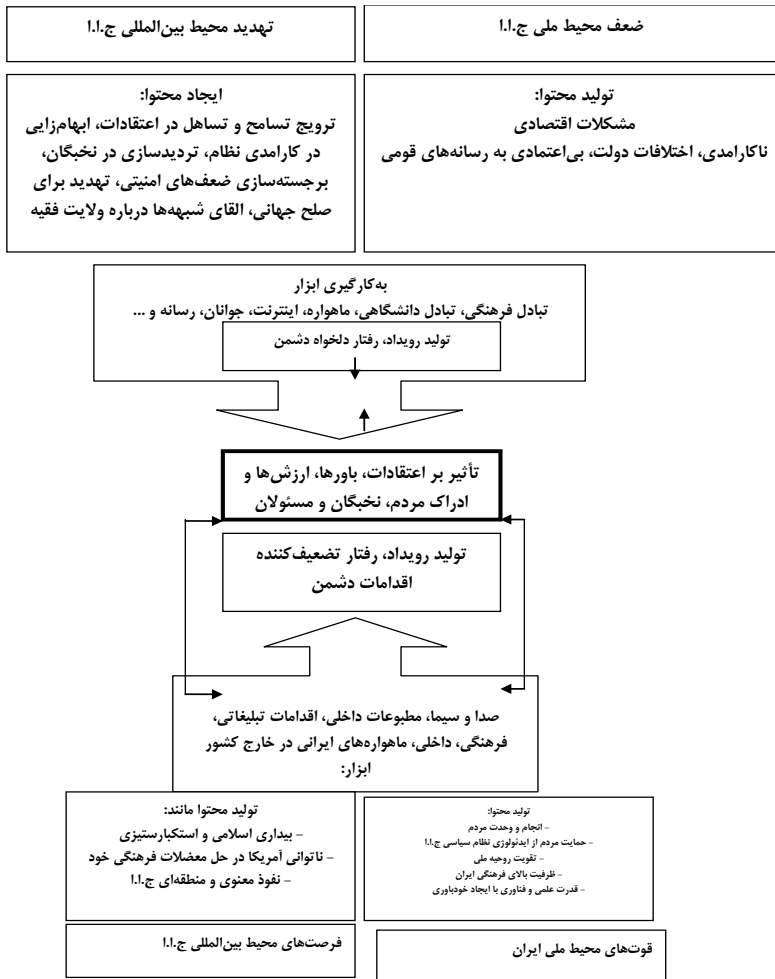
سمت تأثیرگذاری سیاسی می‌رود و به دنبال تغییر سیاسی است. از این رو پس از ۱۱ سپتامبر بهره‌گیری از مفهوم دیپلماسی عمومی در این کشورها افزایش یافته، به گونه‌ای که بیش از گذشته وارد حوزه سلبی شده است و دولت آمریکا برای مشروع کردن فعالیت‌های مداخله‌گرایانه خود از آن استفاده می‌کند. برای نمونه دولت آمریکا برای رسیدن به اهداف سیاسی خود در ایران از ابزارهای گوناگون دیپلماسی عمومی مانند برگزاری آموزش خبرنگاری، نافرمانی مدنی و مبارزه غیرخشونت‌آمیز در کشورهای همسایه ایران و آموزش براندازی نرم به اپوزیسیون ایرانی استفاده می‌کند که بیانگر اقدام سلبی آمریکا در ایران است. هرچند ظاهر فرهنگی دارد، با هدف‌گذاری سیاسی انجام می‌گیرد.

بدیهی است هر کشوری به دنبال منافع ملی و اهداف سیاسی خود در کشور هدف است و با ارائه انواع خدمات به مردم یا نخبگان آنها قطعاً اهداف انسان‌دوستانه ندارد. شاید ظاهر حقوق بشری یا خیرخواهانه داشته باشد، اما از آن ابزار برای پیشبرد منافع ملی خود استفاده می‌کند. برای مثال حمایت دولت آمریکا از سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی یا نخبگان ایرانی برای نافرمانی مدنی در داخل کشور برای آرمان‌های دموکراسی نیست، بلکه از این طریق به هدف‌گذاری سیاسی خود می‌رسد. اگر هدف اصلی آرمان‌خواهی دموکراسی بود، باید توجه دولت آمریکا به کشورهای عربی بیش از ایران جلب می‌شد و ابزارهای دیپلماسی عمومی را برای ترویج فرهنگی-اجتماعی در آن کشورها به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس به کار می‌گرفت. انتخابات به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی دموکراسی، در بسیاری از کشورهای عربی برگزار نمی‌شود، ولی در جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر سال یک انتخابات برگزار شده و اگر واقعاً هدف دیپلماسی عمومی آمریکا نشر و گسترش شاخص‌های دموکراسی است، باید حجم تبلیغات و هجمه به ارزش‌های حاکم در کشورهای عربی بیش از ایران بود؛ در حالی که شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و اینترنتی ضد ایران بسیار بیشتر از شبکه‌های عرب‌زبان است. این اقدام دلیل دیگری است که ابزار دیپلماسی عمومی در پی اهداف سیاسی است و صرفاً هدف فرهنگی یا اجتماعی را پیگیری نمی‌کند؛ زیرا از منظر سیاسی، جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا همسویی ندارد و با تمام توان و قوا به مبارزه و مخالفت با آن می‌پردازد و ابزار مبارزه را گسترش می‌دهد و سعی در فروپاشی از درون با هدف براندازی نظام با روش نرم دارد.

دولت آمریکا در کشورهای غیرهمسو با منافع ملی آمریکا، با به کارگیری ابزار دیپلماسی عمومی دست‌کم در پی تغییر رفتار آن کشور و حداکثر براندازی نرم یا فروپاشی از درون است؛ به این دلیل مفهوم دیپلماسی عمومی از حالت ایجابی و مثبت به حالت سلبی و منفی تغییر کرده و به عنوان ابزاری برای سلب حاکمیت کشور هدف (کشورهای مخالف منافع ملی آمریکا) به کار گرفته می‌شود. بدیهی است دولت‌ها برای دخالت در امور داخلی کشورها نمی‌توانند از ابزار علنی، صریح و براندازانه استفاده کنند؛ بنابراین مفهوم دیپلماسی عمومی به کار آمده است و ابزار بسیار مناسب، مردم‌پسندانه و با نیت خیرخواهانه خود را نشان می‌دهد که در پی تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دیدگاه مردم، نخبگان و مسئولان کشور هدف است که در ابتدا با اهداف فرهنگی-اجتماعی و با ارائه ارزش‌های دموکراتیک وارد کارزار می‌شود تا در نهایت به تغییر نظام سیاسی آن کشور بینجامد.

مدل مفهومی تأثیر و تأثر دیپلماسی عمومی ایران و آمریکا بر سیاست خارجی آمریکا در زیر آورده شده است. آمریکا با بهره‌گیری از ضعف‌های محیط داخلی و تهدیدهای محیط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران با ابزارهایی مانند تبادل فرهنگی، تبادل دانشگاهی، ماهواره، اینترنت، جوانان، رسانه و ... سعی در تولید رفتار مناسب خود دارد که در نهایت بر اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و ادراک مردم، نخبگان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران اثر می‌گذارد. از سوی دیگر قوت‌های محیط داخلی و فرصت‌های محیط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران با ابزارهایی مثل صدا و سیما، مطبوعات داخلی، اقدامات تبلیغاتی، فرهنگی، داخلی و ماهواره‌های ایرانی خارج کشور برای ایجاد رفتارهای متناسب با اهداف جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده و سعی داشته است مانع تأثیرگذاری رفتار دشمن بر اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و ادراک مردم، نخبگان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران شود. براینده این تأثیر و تأثر این است که از اثرگذاری اهداف و پیام‌های دیپلماسی آمریکا بر مخاطبان گوناگون در کشور جلوگیری کند.





شکل ۱- مدل مفهومی تأثیر و تأثر دیپلماسی عمومی ایران و آمریکا بر سیاست خارجی آمریکا

روش تحقیق

تحقیق از نوع کاربردی - توسعه‌ای است. تحقیق کاربردی از یک سو به دنبال یافتن پاسخ برای مشکل و مواجهه با موقعیت مسئله است و از سوی دیگر هدف اساسی پژوهش توسعه‌ای، تدوین راهبرد است. با توجه به مبانی نظری، پرسشنامه تحقیق تهیه و با استفاده از روش خبرگی در معرض قضاوت ده نفر متخصص در حوزه امنیت ملی و دیپلماسی عمومی قرار گرفت تا درباره میزان، شدت و درجه اهمیت آنها نظر دهند. سپس با کنار گذاشتن عوامل بی‌اهمیت و کم‌اهمیت تنها معیارهای با ارتباط بیشتر و



درجه شدت بالاتری با دیپلماسی عمومی انتخاب شدند. در نهایت پرسشنامه نهایی با ۷۶ عامل شامل ۲۰ عامل قوت، ۲۱ عامل ضعف، ۲۴ عامل تهدید و ۱۱ عامل فرصت که از امتیاز موزون نسبتاً زیادی برخوردار بودند، انتخاب شد. حجم جامعه آماری براساس آمارهای موجود، ۱۵۰ نفر بود که برای تعیین اندازه نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. آزمودنی‌های این مطالعه ۵۴ نفر از خبرگان و نخبگان آشنا با دیپلماسی عمومی شاغل در مراکز مطالعات و پژوهشی حوزه امنیت ملی، دانشکده‌های صدا و سیما، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد، وزارت خارجه و دانشکده‌های حوزه امنیت ملی در کنار مراکز تصمیم‌گیر حوزه امنیت ملی هستند. میانگین سن نمونه این تحقیق ۴۴ سال و میانگین سال‌های شغلی نیز ۲۳٫۶ سال است. ۳۳ نفر از آزمودنی‌ها تحصیلات دکتری و ۱۸ نفر کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناسی داشتند.

پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش خبرگی و ابزار SWOT، نقاط مهم قوت و ضعف همراه تهدید و فرصت محیط ملی ایران در ارتباط با دیپلماسی عمومی مشخص شد که برای رسیدن به نمره محیط داخلی و خارجی تجزیه و تحلیل ریاضی و آماری داده‌ها انجام گرفت. یافته‌های تحقیق برای تدوین راهبرد امنیت ملی ایران به منظور مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا به کار گرفته شد. با استفاده از SWOT راهبردهای دوگانه و موقعیت راهبردی تعیین شد.

برای ساختن ماتریس تهدیدها، فرصت‌ها و نقاط ضعف و نقاط قوت مراحل زیر طی شد:

فهرستی از فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های سازمان که در محیط خارجی و داخلی وجود دارد، تهیه و در ماتریس ۹ خانه‌ای درج شد. نقاط قوت داخلی و فرصت‌های خارجی با هم مقایسه و راهبردهای قابل اجرای متناسب با آنها در خانه مربوط در گروه «راهبردهای SO» نوشته شد. نقاط ضعف داخلی با فرصت‌های موجود در خارج سازمان مقایسه و راهبردهای قابل اجرای متناسب با آنها در گروه «راهبردهای WO» نوشته شد. نقاط قوت داخلی با تهدیدهای خارجی مقایسه و راهبردهای قابل اجرای متناسب با آنها در گروه «راهبردهای ST» نوشته شد. نقاط ضعف داخلی با تهدیدهای خارجی مقایسه و راهبردهای قابل اجرای متناسب با آنها در گروه «راهبردهای WT» نوشته شد. برای رسیدن به نمره محیط داخلی و خارجی تجزیه و تحلیل ریاضی و آماری داده‌ها انجام شد. برای ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) از تجزیه

و تحلیل‌های مقایسه عوامل داخلی و خارجی سازمان استفاده شد تا به شیوه‌ای عینی راهبردهای قابل اجرا مشخص شوند. یافته‌های تحقیق برای تدوین راهبرد امنیت ملی ایران برای مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا به کار گرفته شد. با استفاده از SWOT راهبردهای دوگانه و موقعیت راهبردی تعیین شد.

ارزیابی عوامل محیطی، طراحی، تعیین و اولویت‌بندی راهبرد

شناخت عوامل محیطی با توجه به فرصت‌ها، تهدیدهای محیطی و قوت‌ها و ضعف‌های درونی ارزیابی می‌شود. در محیط چه فرصت‌هایی وجود دارد که باید از آن بهره‌برداری کرد؟ چه تهدیدهایی برای توفیق هدف وجود دارد که باید از آنها اجتناب کرد؟ در مسیر تدوین راهبرد چه قوت‌ها (شایستگی‌های ممتاز و فرصت‌های رقابتی) وجود دارد که می‌توان به آنها تکیه کرد؟ ضعف‌های (آسیب‌پذیری‌های) موجود که مانع توفیق آن می‌شوند، کدام‌اند؟

محیط (خارجی) مجموعه عواملی است که بر هدف و عملکرد سیستم اثری تعیین‌کننده دارد، ولی سیستم بر آن کنترل چندانی ندارد. در بررسی محیط در پی یافتن و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط هستیم. فرصت، وجود زمینه یا شانس مطلوب در محیط بیرونی برای انجام کار است که با بهره‌برداری از آن می‌توان به نتایج یا عواید چشم‌گیری دست یافت. تهدید، برآیند وضعیتی است که عوامل محیطی برخلاف خواسته ما و خارج از کنترل عمل می‌کنند و بدین لحاظ روند امور مطلوب ما نیست و احتمال آشفستگی، خطر یا زیان برای ما وجود دارد. به عبارت دیگر هر عنصر یا وضعیتی که موجودیت منافع یا ارزش‌های حیاتی ما را به خطر اندازد، تهدید محسوب می‌شود.

عوامل درونی هر سازمان به نقاط قوت و ضعف مرتبط است. نقاط قوت و ضعف داخلی در کنار فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی مبنایی می‌شود که بر آن اساس مسائل راهبردی، راهبردها و هدف‌ها تعیین می‌شوند. عاملی به عنوان قوت تلقی می‌شود که مزیت رقابتی یا مهارت (شایستگی) داشته باشد و عواملی به عنوان ضعف تلقی می‌شوند که توانایی انجام آنها نیست یا در آن زمینه‌ها آسیب‌پذیری زیاد است.

در این مرحله پس از شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها، اهمیت آنها در محیط محاسبه و موقعیت کلی در قبال عوامل محیطی و درونی خود ارزیابی می‌شود. در جدول ۱ ماتریس ارزیابی عوامل خارجی ارائه شده است



جدول ۱ - ماتریس EFE - ارزیابی عوامل خارجی

ردیف	عامل	شدت (میانگین)	درجه اهمیت (میانگین)	وزن	امتیاز موزون
تهدید					
۱	القای ناکارآمدی فرهنگ اسلامی در تأمین نیازهای روحی و روانی مردم یا تأکید بر عدم نشاط و گسترش سرخوردگی‌های روانی جوانان و مردم	۱.۴۴۹۰۷۴	۴.۴۲۵۹۲۶	۰.۶۲۲	۰.۰۰۹
۲	ایجاد تردید در مردم به توانمندی و کارآمدی نظام در ایجاد سرمایه اجتماعی با القای این تفکر که مسئولان نظام توانایی حل معضلات، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را ندارند.	۱.۴۵۳۷۰۴	۴.۷۰۳۷۰۴	۰.۰۶۲	۰.۰۰۹
۳	تلاش برای ناراضی‌سازی نخبگان و دانش‌موختگان دانشگاه‌ها از طریق انتشار اطلاعاتی مبنی بر ناکارایی و تأکید بر ناکارآمدی نظام	۱.۴۶۲۹۶۳	۴.۵۵۵۵۵۶	۰.۰۶۳	۰.۰۰۹۱
۴	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، زمینه‌های پژوهشی و علمی لازم و موانع و مشکلات سر راه نخبگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها	۱.۴۷۲۲۲۲	۴.۴۰۷۴۰۷	۰.۰۶۳	۰.۰۰۹۳
۵	سلب اعتماد و رویگردانی جوانان از نظام و تحریک آنان در روی آوردن به کنش‌های اعتراض‌آمیز جمعی، از طریق تیره نشان دادن آینده و طرح مشکلات مسکن، ازدواج، شغل و سایر نیازهای اجتماعی جوانان	۱.۴۱۲۰۳۷	۴.۴۶۲۹۶۳	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸۵
۶	تلاش برای تحریک اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی از طریق القای تبعیض، ظلم و تضییع حقوق آنها از سوی حکومت و بزرگ‌نمایی تمایزهای موجود بین آنها و نظام حاکم	۱.۴۷۲۲۲۲	۵.۲۹۶۲۹۶	۰.۰۶۳	۰.۰۰۹۳
۷	ارجاع دادن مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم به پیگیری سیاست‌های نظامی و هسته‌ای، به وسیله رسانه‌های بیگانه	۱.۴۸۱۴۸۱	۴.۳۸۸۸۸۹	۰.۰۶۴	۰.۰۰۹۴
۸	تأکید و توجه آمریکا بر جوانان، زنان، دانشجویان و ... با هدف زاویه‌دار کردن آنان با نظام جمهوری اسلامی ایران	۱.۴۴۴۴۴۴	۴.۹۲۵۹۲۶	۰.۰۶۲	۰.۰۰۸۹
فرصت					
۱	امکان استفاده از شبکه‌های جهانی و کانال‌های ماهواره‌ای برای نشان دادن پیشرفت‌ها، دستاوردها و ظرفیت‌های اقتصادی و کاهش ضریب ریسک سرمایه‌گذاری در کشور	۳.۴۷۲۲۲۲	۴.۵۵۵۵۵۶	۰.۰۸۲	۰.۰۲۸۵
۲	نفوذ و قدرت معنوی جمهوری اسلامی ایران در میان مسلمانان جهان و نیروهای ضد امپریالیستی در سیستم بین‌المللی	۳.۴۹۵۳۷	۴.۵۳۷۰۳۷	۰.۰۸۳	۰.۰۲۹
۳	امکان بهره‌گیری سیاسی و رسانه‌ای از موقعیت ژئوپلیتیک ج.ا.ا.	۳.۴۶۲۹۶۳	۴.۳۸۸۸۸۹	۰.۰۸۲	۰.۰۲۸۳
۴	سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا و مخالفت ملت‌ها با آن	۳.۵۸۷۹۶۳	۴.۳۳۳۳۳۳	۰.۰۸۵	۰.۰۳۰۴
۵	حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم به ویژه ملت فلسطین	۳.۵۶۹۴۴۴	۴.۴۸۱۴۸۱	۰.۰۸۴	۰.۰۳۰۱
۶	نشر فرهنگ ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی در جهان اسلام	۳.۵۴۶۲۹۶	۴.۲۵۹۲۵۹۴	۰.۰۸۴	۰.۰۲۹۸
	جمع کل			۱	

در جدول ۲ عوامل داخلی شامل قوت‌ها و ضعف‌ها بیان شده است.

جدول ۲ - ماتریس EFI - ارزیابی عوامل داخلی

ردیف	عامل	شدت (میانگین)	درجه اهمیت (میانگین)	وزن	امتیاز مؤزن
ضعف					
۱	وجود برخی مشکلات اقتصادی در کشور (بیکاری، تورم، فقر و...) همراه با دولتی بودن بخش عمده اقتصاد کشور که کمبودها و نابسامانی‌های اقتصادی را متوجه دولت می‌کند.	۱.۴۸۱۴۸۱	۴.۵۷۴۰۷۴	۰.۰۶۲	۰.۰۹۲
۲	وجود برخی موارد سومدرت اقتصادی و فساد مالی میان تعداد اندکی از مسئولان که انتشار آنها نسبت به مسئولان ذهبت منفی ایجاد می‌کند.	۱.۵۰۴۶۳	۴.۲۷۷۷۷۸	۰.۰۶۳	۰.۰۹۴
۳	ضعف در تولید و فقر جذابیت تولیدات رسانهای داخل متناسب با نیازهای مردم	۱.۵	۴.۲۴۰۷۴۱	۰.۰۶۳	۰.۰۹۴
۴	ضعف در تعمیق اندیشه‌های اسلامی و ضعف در تعمیق و گسترش هویت ملی	۱.۴۷۲۲۲۲	۴.۵	۰.۰۶۱	۰.۰۹
۵	ضعف مدیریت افکار عمومی متناسب با مصالح و منافع نظام	۱.۴۹۰۷۹۱	۴.۲۹۶۲۹۶	۰.۰۶۲	۰.۰۹۳
۶	نداشتن ماهواره مستقل برای رساندن پیام جمهوری اسلامی به سایر کشورها	۱.۵	۴.۲۹۶۲۹۶	۰.۰۶۳	۰.۰۹۴
۷	نارسایی‌های ناشی از بی‌توجهی به مناطق محروم که موجب پیدایش گرایش‌های گریز از مرکز می‌شود.	۱.۵۲۷۷۷۸	۴.۱۲۹۶۳	۰.۰۶۴	۰.۰۹۷
۸	وجود برخی نابسامانی‌های ناشی از سومدرت و بوروکراسی در برخی از دستگاه‌های اجرایی و قضایی که موجب ایجاد ناراضی و بهره‌برداری رسانه‌های خارجی می‌شود.	۱.۵۰۹۲۵۹	۴.۲۵۹۲۵۹	۰.۰۶۳	۰.۰۹۵
قوت					
۱	پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی و فناوری کشور نظیر سلول‌های بنیادی، خودکفایی کشور در تولید گندم و...	۳.۷۲۴۶۸۵۲	۴.۳۳۳۳۳۳	۰.۰۴۶	۰.۰۱۷
۲	اعتقاد اکثریت مردم به اسلام و مبانی دینی و ارزشی مذهب شیعه در مقابل التفاتت امریکا	۳.۶۸۹۸۱۵	۴.۵	۰.۰۴۵	۰.۰۱۶۷
۳	وجود سرمایه‌های اجتماعی از قبیل وفاق ملی، انسجام اجتماعی، ارزش‌های دینی و... برای بالا بردن روحیه ملی	۳.۶۳۸۸۸۹	۴.۴۸۱۴۸۱	۰.۰۴۵	۰.۰۱۶۲
۴	وجود توانمندی‌های روحی و معنوی کارکنان و فرماندهان نیروهای مسلح، سوابق شایسته جنگی، پیشرفت‌ها و قدرت تسلیحاتی و موشکی، موقعیت ژئوپلیتیک ایران که دشمنان را برای جنگ با ایران به تأمل وامی‌دارد.	۳.۷۳۶۱۱۱	۴.۵۱۸۵۱۹	۰.۰۴۶	۰.۰۱۷۱
۵	وجود روحیه عزت‌طلبی، اقتدارجویی و بیگانه‌ستیزی در مردم و نظامیان و ایستادگی در برابر بیگانگان در وضعیت‌های بحرانی	۳.۷۶۳۸۸۹	۴.۵۱۸۵۱۹	۰.۰۴۶	۰.۰۱۷۴
۶	حاکمیت ولایت فقیه به عنوان محوری‌ترین رکن نظام جمهوری اسلامی که موجب انسجام درونی، حفظ وحدت در همه ارکان نظام و خنثی‌سازی تبلیغات و تأثیرات منفی رسانه‌ای و هدایت افکار عمومی می‌شود.	۳.۷۳۶۱۱۱۳	۴.۷۹۶۲۹۶	۰.۰۴۶	۰.۰۱۷۱
۷	پیوند میان ارزش‌های دینی و منافع ملی در چارچوب قانون اساسی که دربردارنده منافع همه قشرها و اقلیت‌های کشور و ارزش‌های بنیادی دینی و ملی است.	۳.۶۶۲۰۲۷	۴.۴۴۴۴۴۴	۰.۰۴۵	۰.۰۱۶۵
۸	اتکای همه ارکان نظام به انتخابات و امکان مشارکت سیاسی مردم و نقش آنها در تعیین مسئولان رده‌های مختلف کشور همراه با حضور گسترده مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب و حمایت آنها از نظام جمهوری اسلامی که موجب تقویت نظام شده است.	۳.۷۳۴۵۳۷	۴.۵۵۵۵۵۶	۰.۰۴۶	۰.۰۱۷۲
۹	خودباوری، توان برخورد فعال، روحیه مبارزه با دشمن، شهادت‌طلبی و دشمن‌ستیزی در مقابله با تهدیدها	۳.۷۰۸۳۳۳	۴.۵۲۷۰۳۷	۰.۰۴۶	۰.۰۱۶۹
۱۰	مشروعیت نظام امنیتی به دلیل حضور مجتهد در رأس آن	۳.۷۳۳۳۳۳	۴.۳۱۴۸۱۵	۰.۰۴۶	۰.۰۱۷
۱۱	اتفاق نظر اغلب جریان‌های سیاسی و احاد مردم در مسائل راهبردی کشور از جمله پرونده هسته‌ای	۳.۶۱۵۷۴ ۱	۴.۴۸۱۴۸۱	۰.۰۴۴	۰.۰۱۶
	جمع کل			۱	



نتایج مبنای عمل برای مرحله بسیار مهم بعدی (ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی) قرار می‌گیرد. برای تعیین راهبردهای مناسب از ماتریس داخلی و خارجی استفاده می‌شود. ماتریس داخلی و خارجی^۱ (IE) برای تعیین وضعیت سازمان در خصوص ترکیب و تکلیف راهبردهای خود به کار گرفته می‌شود. برای ایجاد این ماتریس، باید امتیازاتی را که در ماتریس‌های بررسی عوامل داخلی و خارجی به دست آمده است، در ابعاد افقی و عمودی یک ماتریس جدید قرار داد. در این صورت با قرار گرفتن سازمان در یکی از خانه‌های این ماتریس، راهبرد مربوطه شامل چهار نوع راهبرد (تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابتی و تدافعی) مشخص می‌شود.

برای تعیین فضای راهبرد، امتیاز داخلی و خارجی به دست آمد که امتیاز داخلی ۲,۶ و امتیاز خارجی ۲,۴۸ بود. با رسم آن در ماتریس چهارخانه‌ای IE، جهت کلی راهبرد، رقابتی تشخیص داده شد. منظور از راهبرد رقابتی این است که جمهوری اسلامی ضمن ادامه دادن به فعالیت‌های دیپلماسی عمومی خود، از سایر نقاط قوت و منابع قدرت نرم خود استفاده کند تا تهدیدهای متصوره از سوی آمریکا در محیط داخلی و بین‌المللی را برطرف یا از آن جلوگیری کند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در محیط داخلی و خارجی حاصل شد و با ایجاد ماتریس SWOT، راهبردهای هر خانه با توجه به ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها توسط خبره با ابزار شهودی، ابتکاری و خلاقانه ارائه شد. سپس راهبردها در ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی^۲ QSPM قرار گرفت.

1 . Internal External Matrix (IE)

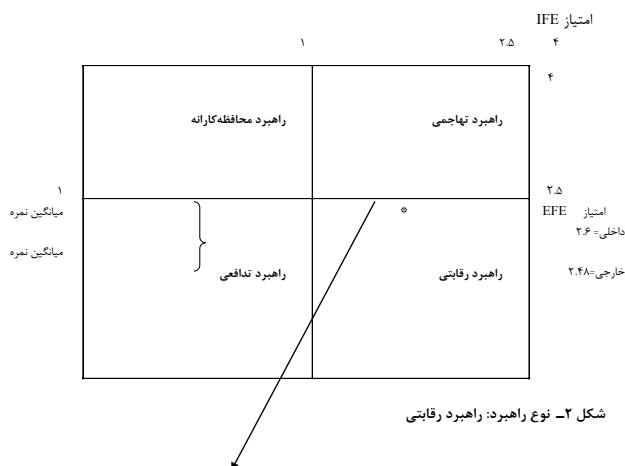
2 . Strategic Planning Matrix Quantitive

جدول ۳- ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

کد راهبرد	راهبرد نهajمی	کد راهبرد	برد محافظه‌کارانه
SO۱	توسعه و انتشار پیام‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام با هدف تقویت وجه مشترک جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای اسلامی و مقابله با تهدیدهای تفرقه‌افکنانه	WO۱	انسجام‌بخشی مدیریت اقتصادی کشور با هدف ارتقای توان و قدرت کشور برای رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و نقش‌پذیری در بازارهای منطقه‌ای و جهانی
SO۲	ارتقا و تقویت خودباوری و خوداتکایی بین مردم جهان اسلام با هدف اتحاد در مقابل قدرت دشمن برای مقابله با تهدیدهای دشمن	WO۲	ارائه الگوی ملموس و مقبول از سوی دولت در تأمین حقوق احاد ملت با هدف گسترش مشارکت سیاسی و حقوق شهروندی آنان برای رویارویی با تصویر مستبدانه افشاده از سوی دشمن
SO۳	برجسته‌سازی شکست‌ها و ناکامی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف شکست‌پذیر بودن قدرت نظامی و هیمنه آنان برای تقویت روحیه مقاومت اسلامی	WO۳	حل مسائل پایهای نیازهای مردم در حوزه‌های خدماتی (بیمه، شغل، مسکن و...) با هدف اقتدار سیاسی-اقتصادی کشور به منظور مقابله با ایهام‌افزایی کارآمدی دولت
SO۴	ارائه و تبلیغ الگوی مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی در جهان اسلام به عنوان هسته مرکزی پیشرفت در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... جهت افزایش همسویی با الگوی پیشرفت ایران اسلامی	WO۴	توسعه و تقویت نفوذ رسانه‌ای از طریق گسترش و افزایش شبکه‌ها، مطبوعات و آن‌جی‌وهای برون‌مرزی با هدف پوشش کامل محیط ملی و بین‌المللی به منظور به حداکثر رساندن مخاطبان
SO۵	گسترش فرهنگ بیگانه‌ستیزی، استکبارستیزی و اشغالگری برای اتحاد بین ملل جهان اسلام به منظور مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا (القای ایران‌هراسی)	WO۵	ارتقای اعتماد عمومی نسبت به رسانه‌های ملی از طریق پیشگامی، فراگیری و صراحت در اطلاع‌رسانی اثربخش به منظور افزایش مخاطب و کاهش مخاطب رسانه‌های دشمن
ST۱	برجسته‌سازی دستاوردها و موفقیت‌های ویژه علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (مانند هسته‌ای، موشکی، سلول‌های بنیادی و...) برای مخاطبان داخلی و خارجی	WT۱	بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی با ایجاد و توسعه زیربناهای لازم به منظور کاهش فقر و محرومیت‌زدایی
ST۲	ایجاد و تقویت گروه‌های مرجع و نخبه مشارکت‌ساز با هدف افزایش توان دیپلماسی عمومی کشور برای تقویت و افزایش توان مشارکت سیاسی-اجتماعی نخبگان در سطح ملی و بین‌المللی	WT۲	کاهش نابرابری‌ها و احساس تبعیض به خصوص در مناطق قومی با هدف اقتدار و توانمند بودن کشور از طریق واگذاری امور مردم به مردم
ST۳	افزایش و تقویت توان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور با هدف تقویت امید به آینده و ارتقای روحیه ملی برای مقابله با القای ناکارآمدی حکومت دینی	WT۳	توجه و احترام به سرمایه اجتماعی با هدف تقویت خودباوری فرهنگ و هویت ملی-دینی از طریق حل معضلات اجتماعی- فرهنگی قشرهای مختلف کشور
ST۴	تقویت و توسعه حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی-اسلامی از طریق دیپلماسی رسمی، عمومی و دانشگاهی در کشورهای منطقه و جهان اسلام با هدف مقابله با القانات ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از سوی دشمن	WT۴	مهندسی مجدد لایه‌های هویتی کشور با هدف افزایش اقتدار ملی از طریق برجسته‌سازی مشترکات ملی، دینی و سرزمینی
ST۵	برجسته‌سازی مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قشرهای گوناگون ملت برای مقابله با القانات تبعیض میان قشرهای جامعه (زنان، اقوام، نخبگان و...)	WT۵	
ST۶	افزایش و تقویت مقبولیت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران با گسترش نقش‌افزایی اقوام، زنان، دانشگاهیان، کارگران و ... برای رویارویی با القانات اهداف دیپلماسی عمومی آمریکا	WT۶	



برای تعیین راهبردهای مناسب از ماتریس داخلی و خارجی استفاده می‌شود. ماتریس داخلی و خارجی^۱ (IE) برای تعیین وضعیت سازمان در خصوص ترکیب و تکلیف راهبردهای خود به کار می‌رود. برای ایجاد این ماتریس باید امتیازاتی را که در ماتریس‌های بررسی عوامل داخلی و خارجی به دست آمده است در ابعاد افقی و عمودی یک ماتریس جدید قرار داد. در این صورت با قرار گرفتن سازمان در یکی از خانه‌های این ماتریس، راهبرد مربوط به آن مشخص می‌شود. با توجه به مراحل یادشده SPACE و نوع راهبرد، ماتریس IE پایان‌نامه به شرح ذیل است.



شکل ۲- نوع راهبرد: راهبرد رقابتی

شکل ۲- نوع راهبرد: راهبرد رقابتی

برای تعیین جذابیت راهبرد، تأثیر هر عامل داخلی و خارجی در هر راهبرد و حاصل جمع آن به عنوان امتیاز موزون جذابیت به دست آمد که در جدول ۲ جذابیت هر راهبرد براساس اولویت نوشته شده است.

جدول ۴- تعیین اولویت راهبردها

کد راهبرد	شرح راهبرد	امتیاز موزون	اولویت
ST۶	افزایش و تقویت مقبولیت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران با گسترش نقش‌افزایی اقوام، زنان، دانشگاهیان، کارگران و ... برای رویارویی با القاتل اهداف دیپلماسی عمومی آمریکا	۶/۳۸۳	۱
SO۲	ارتقا و تقویت خودباوری و خوداتکایی بین مردم جهان اسلام با هدف اتحاد در مقابل قدرت دشمن برای مقابله با تهدیدهای دشمن	۵/۹۸۸	۲
WO۵	ارتقای اعتماد عمومی به رسانه‌های ملی از طریق پیشگامی، فراگیری و صراحت در اطلاع‌رسانی اثربخش به منظور افزایش مخاطب و کاهش مخاطب رسانه‌های دشمن	۵/۷۳۶	۳
SO۱	توسعه و انتشار پیام‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام با هدف تقویت وجوه مشترک جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای اسلامی و مقابله با تهدیدهای تفرقه‌افکنانه	۵/۷۲۸	۴
SO۵	گسترش فرهنگ بیگانه‌ستیزی، استکبارستیزی و اشتغالگری برای اتحاد بین ملل جهان اسلام برای مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا (القای ایران‌هراسی)	۵/۶۹۵	۵
ST۱	برجسته‌سازی دستاوردها و موفقیت‌های ویژه علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (مانند هسته‌ای، موشکی، سلول‌های نیادی و ...) برای مخاطبان داخلی و خارجی	۵/۶۶۱	۶
WO۳	حل مسائل پایهای نیازهای مردم در حوزه‌های خدماتی (بیمه، شغل، مسکن و...) با هدف اقتدار سیاسی- اقتصادی کشور برای مقابله با ابهام‌افزایی کارآمدی دولت	۵/۴۶۶	۷
ST۴	تقویت و توسعه حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی- اسلامی از طریق دیپلماسی رسمی، عمومی و دانشگاهی در کشورهای منطقه و جهان اسلام با هدف مقابله با القاتل ایران‌هراسی و شبهه‌هراسی از سوی دشمن	۵/۴۴۱	۸
SO۳	برجسته‌سازی شکست‌ها و ناکامی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف نشان دادن شکست‌پذیر بودن قدرت نظامی و هیمنه آنان برای تقویت روحیه مقاومت اسلامی	۵/۲۹۹	۹
WT۲	کاهش نابرابری‌ها و احساس تبعیض به خصوص در مناطق قومی با هدف اقتدار و توانمندی کشور از طریق واگذاری امور مردم به مردم	۵/۱۱۲	۱۰
ST۲	ایجاد و تقویت گروه‌های مرجع و نخبه مشارکت‌ساز با هدف افزایش توان دیپلماسی عمومی کشور برای تقویت و افزایش توان مشارکت سیاسی- اجتماعی نخبگان در سطح ملی و بین‌المللی	۵/۱۶۵	۱۱
ST۳	افزایش و تقویت توان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور با هدف تقویت امید به آینده و ارتقای روحیه ملی برای مقابله با القای ناکارآمدی حکومت دینی	۵/۱	۱۲
WT۴	مهندسی مجدد لایه‌های هویتی کشور با هدف افزایش اقتدار ملی از طریق برجسته‌سازی مشترکات ملی، دینی و سرزمینی	۵/۰۴۷	۱۳
ST۵	برجسته‌سازی مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قشرهای گوناگون ملت برای مقابله با القاتل تبعیض میان قشرهای جامعه (زنان، اقوام، نخبگان و ...)	۴/۷۲۶	۱۴
WO۲	ارائه الگوی ملموس و مقبول از سوی دولت در تأمین حقوق احاد ملت با هدف گسترش مشارکت سیاسی و حقوق شهروندی آنان برای رویارویی با تصویر مستبدانه القاشده از سوی دشمن	۴/۷۱۵	۱۵
SO۴	ارائه و تبلیغ الگوی مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی در جهان اسلام به عنوان هسته مرکزی پیشرفت در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... برای افزایش همسویی با الگوی پیشرفت ایران اسلامی	۴/۷۱	۱۶
WT۱	بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی از طریق ایجاد و توسعه زیربناهای لازم به منظور کاهش فقر و محرومیت‌زدایی	۴/۴۲۱	۱۷
WO۱	انسجام‌بخشی مدیریت اقتصادی کشور با هدف ارتقای توان و قدرت کشور برای رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و نقش‌پذیری در بازارهای منطقه‌ای و جهانی	۴/۲۱۲	۱۸
WO۴	توسعه و تقویت نفوذ رسانه‌ای از طریق گسترش و افزایش شبکه‌ها، مطبوعات و ان‌جی‌اوه‌ای برون‌مرزی با هدف پوشش کامل محیط ملی و بین‌المللی به منظور به حداکثر رساندن مخاطبان	۴/۱۹۳	۱۹
WT۳	توجه و احترام به سرمایه اجتماعی با هدف تقویت خودباوری فرهنگ و هویت ملی- دینی از طریق حل معضلات اجتماعی- فرهنگی قشرهای مختلف کشور	۴/۱۷۹	۲۰

نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آمریکا یکی از متحدان نزدیک خود در حوزه خلیج فارس و کنار مرزهای اتحاد جماهیر شوروی را از دست داد و انقلاب اسلامی به کانونی برای بیداری ملت‌های اسلامی تبدیل شد که منافع آمریکا را در منطقه راهبردی خاورمیانه به خطر می‌انداخت. آمریکا از ابتدا در پی سرنگونی این حکومت



نوپای انقلابی بود؛ به همین دلیل بنای مخالفت با انقلاب از طریق حمایت و پشتیبانی از باقی‌مانده‌های رژیم سابق را گذاشت. وقتی تمام درها را برای تغییر مسیر انقلاب به روی خود بسته دید، به ایجاد آشوب و ناامنی از طریق تحریک گروه‌های تجزیه‌طلب قومی پرداخت و در کنار آن حمایت از گروه‌های ضد انقلاب را در اولویت قرار داد؛ سپس به تحریک و حمایت از عراق در حمله به ایران روی آورد و هشت سال جنگ نابرابر را به ملت ایران تحمیل کرد که در نهایت به صورت مستقیم (حمله به سکوه‌های نفتی ایران و حمله به هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۳۶۷ از سوی ناو هواپیمابر) وارد جنگ محدود با ایران شد تا جمهوری اسلامی ایران پیروز نهایی جنگ نباشد.

پس از اتمام جنگ تحمیلی، آمریکا که به کارگیری قدرت سخت و مقابله نظامی را برای از بین بردن نظام ایران غیرکارا و ناموفق دید، به تدریج به قدرت نرم و اقدامات غیرخشونت‌آمیز روی آورد. آمریکا به دلیل توفیق نیافتن در براندازی سخت و نظامی به براندازی نرم با الگوی تغییرات تدریجی فروپاشی یا فروپاشی از درون متمایل شد. به تعبیر دیگر آمریکا با به‌کارگیری توانمندی‌هایش در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست، مردم (توده، نخبگان و مقامات) جمهوری اسلامی ایران را هدف آماج و حمله قرار داد. ابزار مهم و حیاتی قدرت نرم برای وصول اهداف در فضای بین‌المللی، دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی مکانیزم استقرار قدرت نرم و فرایندی است که ارتباطات مستقیم با مردم کشور هدف را دنبال می‌کند تا منافع و ارزش‌های کشور ارائه‌کننده در کشور هدف گسترش یابد. دیپلماسی عمومی ابزار مهم تأثیرگذاری فرهنگی بر جامعه است که در پی همساز کردن فرهنگ جامعه و افکار عمومی مردم با اهداف تعیینی آمریکا و تأثیر احتمالی بر دیدگاه و اعتقادات مقامات است.

هدف اصلی مقاله تدوین راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر است؛ در نتیجه پس از تجزیه و تحلیل محیط داخلی و بین‌الملل، در نهایت راهبرد مقابله‌ای چندگانه و چندبعدی بیان شد. بدیهی است با اجرای این راهبردها با برنامه عملیاتی منسجم می‌توان تأثیرات دیپلماسی عمومی آمریکا بر جامعه ایران را کاهش داد. در این میان راهبرد «افزایش و تقویت مقبولیت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران با گسترش نقش‌افزایی اقوام، زنان، دانشگاهیان، کارگران و ... برای رویارویی با القادات اهداف دیپلماسی عمومی آمریکا» مهم‌ترین راهبرد است. اجرای این راهبرد نتایج زیر را به دنبال خواهد داشت:



۱. افزایش توانمندی داخلی کشور؛
 ۲. تقویت انسجام و وحدت داخلی؛
 ۳. نقش‌پذیری قشرهای گوناگون در سرنوشت خود؛
 ۴. باورپذیری و احساس مسئولیت قشرها در برابر نقش اجتماعی خود؛
 ۵. افزایش مقبولیت دولت و نظام از سوی همه قشرهای کشور.
- بدیهی است با رسیدن به اهداف و نتایج فوق، سد محکمی در برابر القائات دیپلماسی عمومی آمریکا ایجاد می‌شود و آنها را از وصول به اهداف ناامید می‌کند.
- از جمله راهبردهای اولویت‌دار در جهان اسلام «ارتقا و تقویت خودباوری و خوداتکایی بین مردم جهان اسلام با هدف اتحاد در برابر قدرت دشمن برای مقابله با تهدیدهای دشمن» است که با انجام آن می‌توان توقع داشت:
۱. شعار نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی تقویت شود.
 ۲. شعار ما می‌توانیم گسترش یابد.
 ۳. امکان اتحاد بین ملل مسلمان بیش از گذشته فراهم شود.
 ۴. زمانی که مردمی یا جامعه‌ای، باور جمعی توانایی و قدرت اجرای اهداف خود را پیدا کند، طبیعی است که به راحتی در مقابل دشمن سر فرود نمی‌آورد و می‌تواند به مقابله با آن پردازد و از سوی دیگر القائات دشمن در برابر ملت دوست نیز اثر نخواهد داشت و با اتحاد بین ملل مسلمان، تأثیرگذاری نرم آمریکا از طریق دیپلماسی عمومی به حداقل می‌رسد.

پیشنهاد‌های راهبردی

۱. تقویت و گسترش رهنمودهای مقام معظم رهبری در کشور و جهان اسلام؛ بدین منظور باید مراکز مختلفی به تبیین دیدگاه معظم له برای مخاطبان فرهیخته دانشگاهی و نیز برای افکار عمومی و عموم جامعه پردازند و به زبان قابل درک هر قشر به تبلیغ و نشر آن مبادرت ورزند.
۲. رشد و نفوذ بیداری اسلامی در منطقه که به آموزه‌های انقلاب اسلامی برمی‌گردد و ملل مسلمان به تاسی از جمهوری اسلامی ایران به خواسته‌های به حق خود برای برپایی شریعت در کشورشان قیام کردند، می‌تواند پاشنه آشیل آمریکا در منطقه باشد. از آنجا که همیشه دشمن، ایران را مرکز و محرک فکری، معنوی و گاه فیزیکی و عملیاتی می‌داند، ضروری است بیش از گذشته به عمق‌بخشی خارجی مراجع ذی‌ربط

در جمهوری اسلامی ایران توجه کنیم و درصدد انتشار پیام‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام با هدف تقویت وجوه مشترک جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای اسلامی و مقابله با تهدیدهای تفرقه‌افکنانه باشیم و برنامه‌ریزی اجرایی برای افزایش این تأثیرگذاری انجام دهیم.

۲. فلسطین و قدس شریف، قلب جهان اسلام و عامل اتحاد بین ملل جهان اسلام هستند. مظلومیت مردم فلسطین و ستمی که بر آنان روا شده از سوی همه مستضعفان و مظلومان جهان مردود و محکوم شده است. حمایت از مردم مظلوم، همسویی و هم‌افزایی جهان اسلام را به دنبال خواهد داشت.

۳. برای مقابله با براندازی نرم باید به قدرت نرم کشور متکی بود. ویژگی‌هایی مانند روحیه عزت‌طلبی و اقتدارجویی، خودباوری و خوداتکایی مردم ایران سرلوحه و سرمشق سایرین قرار گرفته که مقهور کشورهای سلطه‌طلب نشوند بلکه با روحیه بیگانه‌ستیزی و حفظ اقتدار ملی و عزت نفس در پی مقابله با وابستگی و مبارزه با تهدیدهای دشمن باشند. همچنین درون کشور سیاست‌گذاران باید تمرکز خاصی بر این ویژگی‌های قدرت نرم کنند و شناخت کافی ارائه دهند تا مردم به درک قابل توجه و ملموسی از توانمندی قدرت نرم خود در جهان نائل آیند.

۴. اسلام با شعائری مانند برادری و برابری انسان‌ها فارغ از نژاد و طبقه، عدالت‌گستری و کرامت انسان‌ها و عوامل مقتدری در فرهنگ تشیع همچون ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم، پذیرش شهادت و جاودانه دانستن روح انسانی، ارزشی بودن فداکاری، مرّوت، ایمان، محبت اهل بیت و جوانمردی و ... آن را با سایر فرهنگ‌های مذهبی و غیرمذهبی دنیا متمایز کرده است. اعتقاد مردم ایران به این مبانی و به کارگیری آن در شئون اجتماعی خود عامل بسیار مهمی در حفظ انسجام درونی ملت و وفاق ملی است و همچنین سد محکمی در مقابل اقدامات نرم آمریکا ایجاد می‌کند؛ بنابراین باید به این ویژگی‌های مهم و جذاب پرداخت و مسئولان مربوط باید از آن استفاده عملی کنند.

۵. ارائه عملی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی و تبلیغ الگوی مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی در جهان اسلام به عنوان هسته مرکزی پیشرفت در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... تا بتوان باعث هم‌افزایی سایر کشورهای جهان اسلام به خصوص کشورهای شیعی یا مردم شیعه در حاشیه ایران شد تا تأثیر القاءات دشمن کم‌رنگ یا بی‌رنگ شود.

۶. ملل و مردم مظلوم جهان ذاتاً با هرگونه ظلم، ستم و استبداد مخالفاند و از طرف دیگر با مظلوم‌هم‌دردی و از اقدامات مقابله‌ای آن دفاع می‌کنند. اقدامات خصمانه آمریکا و متحدانش علیه مردم منطقه به خصوص در جهان اسلام و حمایت بی‌چون و



چرای آنان از رژیم اشغالگر قدس همیشه مرکز توجه و رصد مردم سایر کشورهاست. مخالفت با سیاست خارجی آمریکا و متحدانش و فعالیت‌های دشمنانه آنها، با استقبال مردم مظلوم مواجه خواهد شد. برجسته‌سازی اقدامات ضد بشری و ظالمانه آمریکا از یک سو و گسترش فرهنگ بیگانه‌ستیزی، استکبارستیزی و اشغالگری برای اتحاد بین ملل جهان اسلام و تبلیغ اقدامات مقابله‌ای کشورها برای افکار عمومی جهان عاملی برای همراهی کشورها با مظلومان دنیا و جهان اسلام با ایران است که در واقع مانعی برای تأثیرگذاری نرم دشمن در داخل کشور می‌شود.

۷. راه‌اندازی سازمان دیپلماسی عمومی کشور با هدف هماهنگی بین فعالیت‌های دیپلماسی عمومی نهادهای عمل‌کننده و ذی‌ربط و همچنین برنامه‌ریزی مقابله‌ای با اقدامات دیپلماسی عمومی دشمن و تأثیرات آن که بر ایندو این دو قسم کار بتواند آثار حرکت‌ها و فعالیت‌های دیپلماسی عمومی دشمن را کاهش دهد.

۸. ایجاد فضای باز رسانه‌ای تا تمام افراد صاحب‌نظر همسو با جمهوری اسلامی دور از برچسب دولتی به بازخوانی و بازتولید و اشاعه دیدگاه جمهوری اسلامی بپردازند که مانعی در مقابل القائات دشمن مبنی بر نبود آزادی رسانه‌ای در کشور باشد. استفاده از فضای دوسویه بین صاحب‌نظران که هم سبب افزایش استقبال درونی شود و هم نشان‌دهنده ظرفیت بالای سیاسی- فرهنگی نظام جمهوری اسلامی بین توده مردم باشد تا نقش مقابله‌ای با تأثیرات دیپلماسی عمومی آمریکا داشته باشد.

۹. توجه و احترام به سرمایه اجتماعی ایران با هدف تقویت خودباوری فرهنگ و هویت ملی- دینی و تقویت امید به آینده و ارتقای روحیه ملی از طریق حل معضلات اجتماعی- فرهنگی قشرهای مختلف کشور و افزایش و تقویت توان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور برای مقابله با القای ناکارآمدی حکومت دینی؛

۱۰. تمرکز بر نقاط قوت و محاسن فرهنگ و تمدن هفت‌هزار ساله ایران در کنار تمدن شیعی ایران و تبلیغ آن در کشورهای جنوب غرب آسیا زمینه تقویت و توسعه حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی- اسلامی را از طریق دیپلماسی رسمی، عمومی و دانشگاهی در کشورهای منطقه و جهان اسلام برای مقابله با القائات ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از سوی دشمن فراهم می‌آورد.

۱۱. مطالعات گسترده بنیادی درباره دیپلماسی عمومی ایران به منظور شناخت ابعاد آن و چگونگی تأثیرگذاری بر ملل منطقه و جهان اسلام و تاکتیک‌های مورد استفاده برای افزایش تأثیرگذاری؛

۱۲. تدوین راهبرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به خصوص در منطقه جنوب غرب آسیا که با اجرایی کردن آن اقدام مقابله‌ای در برابر آمریکا صورت گیرد.



منابع فارسی

- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی»، در کتاب آمریکا ۶ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حمیدی، جواد (۸۶/۳/۱۳)، «قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در جهان سیاست»، روزنامه همشهری، قابل دسترسی در سایت آفتاب.
- شارپ، جین و رابرت هلوی (۲۰۰۲)، جامعه مدنی، مبارزه مدنی، انتشارات مؤسسه آلبرت انیشتن.
- شیلر، هربرت (۱۳۷۷)، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، ترجمه احمد عابدینی، تهران: سروش.
- طیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه‌های انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل، تهران: نشر نی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین

- Arab Human Development Report (2002), 51.
- Armitage, Richard L. & Joseph S. Nye Jr (2007), *A Smarter, More Secure America*, Center for Strategic & International Studies (CSIS).
- Delaney, R.F (1968), *Introduction in International Communication and the New Diplomacy*, Edited by A.S. Hoffman Bloomington: Indiana University Press.
- Glassman, James K. (2008), *The New Age of Public Diplomacy*, US Under Secretary of State for Public Diplomacy and Public Affairs, Thursday 11 September, Chatham House.
- Gullion, Edmund A. (2005), *Former Diplomat*, Dean of the Fletcher School, March 1966 .
- Johnson, Stephen and Helle Dale (2003), *How to Reinvigorate U. S. Public Diplomacy*, Heritage Foundation, April 23.
- Karin I, Johnston (2006), Revitalizing Public Diplomacy: Challenges for Germany and the United States, March, American Institute for Contemporary German Studies, The Johns Hopkins University, www.aicgs.org, u.s.a.

- Lionel, Beehner (2006), U.S. Soft Diplomacy in Iran , Council Foreign Relations.
- Macovei, Iustina (2008), *Public Diplomacy and Its Role in Building a Nation's Competitive Identity*, Academy of Economic Studies, Faculty of Marketing.
- Melissen, Jan (2006), Public Diplomacy Between Theory & Practice, Represent at First Madrid Conference of Public Diplomacy Organized by Elcano Royal Institute.
- Nye, Jr. Joseph S. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
- Schuker , Jill A. (2004), Former Senior Director for Public Affairs at the National Security Council, July.
- Sharp, Jean (2005), "Revolutionary States, Outflow Regimes and the Techniques of Public Diplomacy", In *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relation*, Edited by J. Melissen, Houndsmill: Palgrave Macmillan.
- Wolf, Jr. Charles & Brian Rosen (2004), Public Diplomacy: How to Think About and Improve It, RAND Corporation.
- Zwiebel, Michael J. (2005), More Effective Public Diplomacy in the Arab and Muslim World, Usawc Strategy Research Project, Department of Army.

